

بررسی نحوه تدارکات در جنگ‌های نادرشاه افشار

محمد علی رنجبر^۱ و مرتضی زارع^۲

تاریخ دریافت: ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۹۷

چکیده

با بررسی زندگی نادر در می‌یابیم که وی همیشه در حال جنگ بوده یا در حال آماده‌سازی لشکر جهت حمله به نقطه‌ای به سر می‌برده؛ از این رو، توجه به نحوه‌ی لشکرکشی‌های نادر و به‌خصوص مباحث مربوط به پشتیبانی و تدارکات نظامی و غیرنظامی نادر در طی لشکرکشی‌هایش، بسیار حائز اهمیت است که در این مقاله به‌عنوان یک موضوع کلی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مشخصات بارز و قابل توجه جنگ‌های نادر، سرعت عمل در جابجایی و انتقال لشکر از نقطه‌ای به یک منطقه دور دست در مدت زمان کم می‌باشد؛ که این موضوع مستلزم داشتن تدارکات کافی و پشتیبانی کامل می‌باشد. نادر شاه در نقاط مختلف ایران، از جمله بندرعباس، بوشهر، مازندران و ... کارگاه‌هایی برای ساختن توپ، باروت و گلوله دایر کرده بود و در اغلب لشکرکشی‌های خود غله مورد نیاز و نیز خوراک سربازان خود را از طریق رکن اصلی ارتش خود که آما و پشتیبانی را بر عهده داشتند، تأمین می‌نمود. وی هم‌چنین تلاش نمود تا اقتدار ایران در خلیج فارس و حفاظت از مرزهای دریایی جنوبی را با ایجاد یک نیروی دریایی قوی بازباید. وی برای این کار اولاً لطیف خان حاکم فارس را مأمور به تهیه و خرید کشتی‌های جنگی نمود و از سوی دیگر، به راه اندازی یک کارگاه کشتی‌سازی در بندر نادریه - بوشهر - و تهیه و ارسال چوب‌های لازم برای این کارگاه از مازندران و نیز ساختن یک کارگاه توپ‌سازی و ریخته‌گری برای مجهز کردن کشتی‌ها به توپ‌های جنگی در بندرعباس اقدام نمود.

کلید واژه‌ها: نادرشاه، افشاریه، تدارکات نظامی، ایران.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): رنجبر، محمدعلی و مرتضی زارع (۱۳۹۸، بهار). « بررسی نحوه تدارکات در جنگ‌های نادرشاه افشار ». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره اول. صص ۳۲-۱۳.

^۱ عضو هیئت‌علمی بخش تاریخ دانشگاه شیراز. ranjbar@shirazu.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز

۱. مقدمه

نادرشاه افشار به‌عنوان مؤسس سلسله افشاریه و یکی از فاتحان تاریخ ایران، قسمت عمده‌ای از حکومت ۱۲ ساله خود را در جنگ و لشکرکشی گذراند. از عوامل عمده و تأثیرگذار بر موفقیت لشکرکشی‌های نادر، می‌توان به پشتیبانی و تدارکات نظامی وی در لشکرکشی‌هایش اشاره نمود. از این منظر، درک نحوه‌ی تدارکات جنگی در زمان نادرشاه، می‌تواند ما را تا اندازه زیادی با شرایط و الزامات جنگ‌های نادر آشنا سازد.

با مطالعه منابع و کتب تاریخی به نظر می‌رسد توجهی به موضوع فوق یعنی نحوه‌ی آماده‌سازی و انتقال ملزومات جنگی در زمان نادر شاه نشده است و کم‌تر نویسنده‌ای به این موضوع اشاره کرده است و اهمیت تدارکات از سوئی و سرعت جابجایی و فاصله زمانی کم بین جنگ‌های مختلف نادر و نبردهای وی در مناطق مختلف آب و هوایی که از سردترین مناطق کوهستانی مانند گرجستان و شیروان تا گرم‌ترین نقاط مانند خوزستان فعلی، که این مناطق بعضاً نیاز به لوازم تدارکاتی مختص خود نیز داشته است که این موضوع بر مشکل تأمین تدارکات می‌افزاید. به نظر می‌رسد این موضوع به‌عنوان یک نقطه مبهم و موضوع نا مشخص در تاریخ ایران دوره افشاریه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از اساسی‌ترین مباحث تدارکات و پشتیبانی جهت شروع و ادامه جنگ، تأمین مواد مورد نیاز سربازان و ابزار و آلات جنگ می‌باشد. به‌طوری که از ارکان هر لشکر و جنگ (ارکان حرب)، تدارکات می‌باشد. لذا یکی از مشکلات اساسی هر فرمانده یا امیر، تأمین ملزومات شخصی و ابزار جنگ بوده است. که این موضوع در رابطه با نادرشاه افشار و لشکرکشی‌های مداوم او نیز مصداق دارد.

آمد و پشتیبانی تا آن‌جا برای نادر اهمیت داشت که خود مستقیماً بر این مهم نظارت داشت و گاهی در این امر دخالت می‌نمود. میرزا محمد مهدی خان استرآبادی در کتاب تاریخ جهانگشای نادری، در جریان شرح وقایع جنگ سنگان و در محدوده‌ی قاین، توضیح می‌دهد که توپخانه‌ی ارتش به دلیل ریگ‌زار بودن زمین، از کار می‌افتد و نادرشاه شخصاً برای رفع مشکل سوار بر شترهای باری شده و با کشیدن اراده‌های توپ، توپ‌ها را از ریگ‌زار بیرون می‌کشیده است:

« به سبب این‌که مابین آن مکان و زیر کوه ریگ بوم بود، توپخانه در ریگ نشست. پس آن حضرت جمعی از دلیران را با شترهای کوه کوهان برداشته، خود بر شتر مانند مهر بر بختی سپهر سوار شده، آستین عزم و پای همت برزده، گاهی سواره و گاهی پیاده، بکشیدن توپخانه می‌پرداختند. و در شدت صیف که آب جز در دم سیف یافت نمی‌شد، آن‌هم نصیب اعداء بود، یک شبانه‌روز در آن بیابان زحمت توپخانه را کشیده، و در دوم شهر صفر نزول اجلال به بهدادین واقع گشته، قلعه نیازآباد را مطمئن و خاطر- جمع در رکاب اقدس حاضر کرده، و قلعه را بتصرف جند قاهر دهند» (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۷۳).

نیروهای مسلح در هر دوره‌ای از ارکان مهم اقتدار حکومت‌ها محسوب می‌شوند و همیشه و در همه حال باید در اختیار فرمانده و حاکم و آماده برای انجام وظایف خود باشند و این آمادگی نیازمند برخورداری از یک آماد و پشتیبانی کارا و تدارکات توانا می‌باشد، این تدارکات می‌تواند نظامی و غیرنظامی باشد. هدف از این مقاله بررسی شیوه تأمین مواد و مصالح مورد نیاز جنگ و نحوه تأمین خوراک و پوشاک و ابزار جنگ در زمان نادر شاه می‌باشد. با عنایت به این‌که تدارکات کافی و مناسب لازمه پیروزی است و برعکس عدم تأمین تدارکات باعث شکست خواهد شد. لذا با روشن شدن نحوه‌ی تدارکات و ملزومات یکی از دلایل پیروزی‌های نادر شاه در اغلب جنگ‌ها نیز روشن خواهد شد.

به این ترتیب، مسأله اصلی این مقاله، بررسی و آشکار ساختن نظام پشتیبانی نادرشاه در لشکرکشی‌های نظامی وی است. به نظر می‌رسد این نظام پشتیبانی در دو حوزه‌ی پشتیبانی و تدارکات نظامی و غیر نظامی و نیز تدارکات فردی و جمعی، قابل تفکیک است. نظامی شامل سلاح و تجهیزات جنگی می‌شود و غیر نظامی هرآنچه غیر از سلاح و تجهیزات جنگی که مورد نیاز سربازان بوده است.

۲. کتاب‌شناسی و پیشینه

۲-۱. کتاب‌شناسی

۲-۱-۱. کتاب «جهانگشای نادری»

جهان‌گشای نادری، نوشته مهدی خان استرآبادی، به کوشش عبد الله انوار این کتاب در دوره افشاریه به سبک و شیوه شهاب‌الدین عبد الله شیرازی معروف به «وصاف الحضرة»، نویسنده تاریخ وصاف و به فارسی نوشته شده و اطلاعات نیکو و ارزش‌مندی در باره سلسله افشاریه به ویژه رویدادهای هم‌زمان با نادرقلی افشار، مؤسس این سلسله به دست داده است. این کتاب که در فهرست کتابخانه‌ها و متون کتب تاریخی و معاصر میرزا-مهدی خان^۱ با اسم «تاریخ نادری» می‌آید معلوم نیست که چرا و به چه دلیل عنوان نام «جهانگشا» بخود گرفته است. زیرا نه در متن کتاب و نه در سایر نوشته‌های میرزا مهدیخان، به جایی بر نمی‌خوریم که مؤلف از آن به «جهانگشای نادری» تعبیر کرده باشد. میرزا مهدیخان تنها در اوایل کتاب، بدون توضیح اضافی کتاب خود را فقط «روزنامه‌چه ظفر» نام می‌برد.

این اثر را که منبعی دست اول در باره تاریخ افشاریه به ویژه دوران نادر به شمار می‌رود، از دید گونه‌های تاریخ‌نگاری، در دسته کتاب‌های «سلاطینی» یا «سلسله‌ای» می‌گنجد. نویسنده

^۱. در مجمع التواریخ صفحه ۱ آمده: «میرزا مهدیخان مؤلف تاریخ نادری»

تنها «وقایع نگار» است و در تحلیل رویدادها قلم نمی‌فرساید و خود را «از چاکران حضور و به ضبط وقایع مأمور» می‌خواند. عبارت‌های گزارش‌های وی در باره سرعت عمل و رفتار غافل‌گیرانه نادر یا وضع آشفته دشمنان وی، از بهجت و سرور سرشار است.

این کتاب به رخداد‌های دوران افشاریه مانند شورش افغان‌ها و چیرگی‌شان بر اصفهان، رویداد هرات، آشوب‌های گوناگون آن روزگار و ماجرای شورای مغان و رسیدن نادر به شاهی و اندکی از ماجرای پادشاهی علی‌قلی خان و ابراهیم خان و رویدادهای دوره آنان می‌پردازد. همه سخنان نویسنده در این کتاب، بر کانون نادر شاه می‌گردد. او پیروزی‌های نادر را می‌ستاید، اما از ناکامی‌هایش سخن نمی‌گوید. سیاست خارجی‌اش را تأیید می‌کند و لشکرکشی‌های او را به آسیای مرکزی و داغستان، کارهایی به انگیزه دفاع از کشور می‌نماید.

۲-۱-۲. کتاب «دره نادره»

نویسنده این کتاب نیز همانند کتاب جهانگشای نادری، میرزا مهدی خان منشی استرآبادی فرزند محمد نصیر، منشی نادر شاه افشار و از مورخان آن دوره و مسلط به زبان‌های عربی، ترکی و فارسی است (نوایی، ۱۳۷۵: ۱۸۹-۱۸۵؛ شکیباپور، ۱۳۴۸: ۴۶). نثر میرزا مهدی در این کتاب بسیار سنگین و مصنوع و دشوار و در عین حال مختصر است و در آن واژه‌های عربی و ترکی بسیاری به کار رفته است. دره نادره که بعضی آن را به اشتباه دره نادری می‌نامند (Rieu, 1966: 1 / 195)، شامل یک مقدمه، چهل فقره و یک خاتمه است. پس از مقدمه‌ای طولانی، کتاب با شرح اختلال ممالک ایران در اواخر حکومت شاه‌سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵) و استیلای افغانان و جلوس شاه‌طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۵)، فرزند شاه‌سلطان حسین، شروع می‌گردد. پس از آن، مؤلف به ظهور نادر و همکاری او با طهماسب میرزا و چگونگی جلوس نادر در ۱۱۴۸ بر تخت شاهی می‌پردازد. نبردهای نادر با عثمانیان، افغانان و تسخیر قندهار، هندوستان، بخارا، خوارزم، داغستان و مسقط از دیگر موضوعات تاریخی این اثر است.

دره نادره با بیان قتل نادرشاه افشار و به حکومت رسیدن عادلشاه یا علی‌شاه و ابراهیم‌شاه (برادرزادگان نادرشاه) و شاه‌رخ (نوه نادرشاه) و کشته‌شدن ابراهیم‌شاه در ۱۱۶۲ به پایان می‌رسد. به‌درستی دانسته نیست به چه سبب، مؤلف تاریخ اتمام کتاب را ۱۱۸۰ ذکر کرده است. چون سال دقیق مرگ میرزا مهدی خان معلوم نیست، می‌توان حدس زد که وی رویدادها را تا ۱۱۶۲ تحریر کرده و مابقی عمر را به تصحیح اثرش پرداخته است یا شاید کاتب سال ۱۱۸۰ را به آخر کتاب افزوده باشد.

انگیزه میرزا مهدی خان از نوشتن این کتاب گذشته از شرح نبردهای نادرشاه، بیش‌تر به نمایش گذاشتن مهارتش در زبان عربی است. به‌طوری که، موضوع تاریخی آن فدای عبارت‌پردازی‌های پیچیده مؤلف شده است. مطالب کتاب همان رویدادهای نوشته‌شده در جهانگشای نادری است، اما

نثر آن از جهانگشا دشوارتر است. نثر درّه نادره از دشوارترین و متکلف‌ترین نثرهای مصنوع فارسی است. او از اشعار عربی، فارسی و احادیث بسیار استفاده کرده و تاریخ و صاف را سرمشق خود قرار داده است، تا جایی که گاهی دو صفحه از متن را به عربی نوشته است. میرزامهدی خان افزون بر این کتاب که به تقلید و اقتباس از آن اذعان دارد، از دیگر متون ادبی چون کلیله و دمنه، سندبادنامه، گلستان و نفثه‌المصدور نیز تأثیر گرفته است.

به درّه نادره به سبب نثر فنی و استفاده از واژه‌های مهجور عربی، برخی ادیبان معاصر انتقاد کرده‌اند تا جایی که این متن را نامطبوع و بی‌استفاده معرفی کرده‌اند، هرچند این کتاب روزگاری در مدارس تدریس می‌شده است (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۳: ۱۴۱). بهار نیز نثر او را مکلف و غیرمفید خوانده است (بهار، ۱۳۲۱: ج ۳ / ۳۱۰ و ۳۱۱). فروغی می‌نویسد: «عرض می‌کنم کتاب دره نادره را میرزا مهدی خان که با آن جلالت زیاده از حد مشکل است و غیر فحول ادبا و متبحرین، احدی از عهده فهم آن بر نمی‌آید» (فروغی، ۱۳۴۲: مقدمه). با این حال، انتقاد درباره اثر میرزامهدی خان تا اندازه‌ای بی‌انصافی است. مهارت میرزامهدی خان در به‌کارگیری آرایه‌های ادبی، مانند سجع، تشبیه، استعاره، تضمین، جناس و تضاد، نشان‌دهنده تسلط وی بر عربی و فارسی است. مؤید شیرازی در تمجید از درّه نادره، آن را اسماً تاریخی و رسماً ادبی یا فوق ادبی ذکر کرده است (مؤید شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۹۳). گذشته از این، او ویژگی و اهمیت این اثر را در استفاده میرزامهدی خان از واژه‌های دیرپاب فارسی و عربی و انباشتگی از آیات و احادیث و امثال و اشعار عرب و به‌کارگیری صنایع گوناگون لفظی دانسته است (همان). از این اثر نسخه‌های خطی بسیار و چاپ‌های گوناگونی موجود است. در ایران، درّه نادره برای نخستین بار در ۱۲۶۸ و سپس در ۱۲۷۴، ۱۲۸۷، ۱۲۹۲ در تبریز و نیز در ۱۲۷۱ در تهران به چاپ رسید (مشار، ۱۳۵۵: ۶ / ۴۴۸ و ۴۴۹). این اثر همراه با مقدمه و خلاصه‌ای از متن آن و توضیح لغات مشکل در ۱۳۴۱ ش در تهران به چاپ انتقادی رسید. جان محمد این اثر را به اردو ترجمه کرده است (متزوی، ۱۳۷۴: ۲ / ۹۶۵).

۲-۱-۳. کتاب «در رکاب نادرشاه افشار» یا «سفرنامه عبدالکریم»

نویسنده این کتاب عبدالکریم نامی از ملازمان نادرشاه افشار است که هویتش غیرمعلوم است. در مورد نویسنده کتاب همین اندازه می‌دانیم که در کنار قشون نادر در لشکرکشی به دهلی و سفر به مکه در رکاب نادرشاه افشار بوده و رویدادهایی پیش آمده را که خود به چشم دیده است، به رشته تحریر درآورده. این کتاب یک منبع دست اول برای مطالعه رویدادهای مربوط به تاریخ ایران در دوره افشاریه می‌باشد.

۲-۲. پیشینه

طبق بررسی‌ها و پیش‌مطالعه‌ی صورت گرفته توسط نگارنده‌ی این پژوهش این‌گونه استنباط می‌شود که تاکنون در رابطه با تجهیزات و تدارکات و پشتیبانی نظامی در دوره‌ی حکومت ۱۲ ساله‌ی نادرشاه افشار، تحقیق و پژوهشی به‌صورت مستقل انجام پذیرفته است؛ اما در پاره‌ای مقالات و پژوهش‌ها به‌صورت غیر مستقیم اشاراتی به این موضوع شده است.

بژگی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بحثی در لباس و پوشش مردم ایران در دوره افشاریه» به بررسی پوشش و لباس مردم در دوره افشاریه می‌پردازد. بژگی در پژوهش خود، بخشی را به نحوه لباس و پوشش ارتش نادرشاه اختصاص داده و نحوه تهیه لباس، دوخت پارچه‌های لباس و کلاه‌های نظامیان شامل پیاده نظام، سوار نظام، توپخانه و نیروی دریایی را به‌صورت مختصر توضیح می‌دهد.

موسوی دالینی و مودت (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «چرایی و چگونگی تشکیل ناوگان دریایی نادرشاه در خلیج فارس» با بررسی چگونگی شکل‌گیری ناوگان شاهی در این دوره، تأسیس ناوگان دریایی را موجب امنیت خلیج فارس، رونق تجارت و افزایش کنترل ایران بر سواحل خلیج فارس دانسته و در حین پرداختن به این موضوع، نحوه‌ی تدارکات نظامی، ساخت و یا خرید کشتی، توپخانه و ... را توضیح می‌دهند. اما همان‌گونه که از عنوان پژوهش نیز برمی‌آید، موسوی دالینی و مودت تنها به تدارکات نظامی و دریایی آن هم به‌صورت کلی گویی پرداخته و از بررسی سایر ملزومات و تدارکات نظامی نادرشاه صحبتی به میان نیاورده‌اند.

نوری (۱۳۸۵) در پژوهش «سیمای کلی تجارت خارجی ایران در دوره افشاریه و زندیه» به بررسی وضعیت تجارت خارجی ایران با در نظر گرفتن ویژگی نظامی در دوره افشاریه پرداخته است. وی در این پژوهش با اشاره به خرید کشتی توسط نادر از کشورهایمانند هلند و انگلستان، به نحوه‌ی حمل تدارکات نظامی از طریق کشتی و یا تهیه پنبه و ... برای بافت البسه نظامی و ... نیز اشاره‌هایی نموده است.

عبدالکریم (۱۳۲۲) در سفرنامه‌ی خود تحت عنوان «در رکاب نادرشاه افشار» به‌صورت مفصل در رابطه با تدارکات و نحوه‌ی لشکرکشی‌های نادر، توضیحاتی را بیان نموده است که به نوبه خود، به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین متون در این زمینه و به‌خصوص در لشکرکشی نادر به هند و هرات بسیار می‌تواند مورد استفاده نگارنده در این زمینه باشد. اما در این سفرنامه نیز تنها به لشکرکشی نادر و فتح هندوستان اشاره شده و از نحوه ساخت اسلحه، مهمات، تهیه توپ، گلوله، باروت و ... مطلبی بیان نموده است.



تصویر نادرشاه افشار. نقاشی نگهداری شده در بوستون

۳. سلسله افشاریه و نادرشاه

نادر شاه افشار ملقب به تهماسب‌قلی خان از ایل قرقلو و قرقلو اویماقی از نوع افشار(ایل افشار خراسان)(استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۶) که از ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ قمری پادشاه ایران و بنیان‌گذار دودمان افشاریه بود. ایل افشار از ایل‌های ترکمان در آذربایجان بودند در اوایل دوره صفوی(۱۱۳۵-۹۰۷ق.م) و در زمان شاه اسماعیل(حکومت ۹۳۰-۹۰۷ق.م) برای نگاهبانی از مرزهای ایران در برابر هجوم ازبک‌ها از آذربایجان (در شمال غرب ایران و شرق ترکیه کنونی)، به منطقه ایبورد و نساء در خراسان شمالی کوچانده شدند(استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۶ و ۲۷؛ مینورسکی، ۱۳۸۷: ۷).

نادر در ابتدا حاکم ایبورد و سپهسالار شاه تهماسب دوم صفوی در سال ۱۱۳۹ قمری بود. با دلاوری‌های فراوانی که از خود نشان داد، شرایط را برای انتقال حکومت از صفویه و تشکیل سلسله افشاریه فراهم نمود. شکست ملک محمود سیستانی و تصرف مشهد در سال ۱۱۳۹ق.م (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۶۱؛ استرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) و شکست دادن افغان‌ها در هرات در همان سال و نیز چیره شدن بر نیروهای اشرف افغان در سه نبرد مهم مهمان‌دوست دامغان(۱۱۴۲ق.م)، سردره خوار در کوه‌های البرز(۱۱۴۲ق.م) و مورچه خورت(۱۱۴۲ق.م) و تصرف اصفهان به سال ۱۱۴۲ق.م (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۰۶ - ۹۵؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۱۲۳ و ۱۲۴) تهماسب را بر تخت سلطنت نشاند. این اقدامات در کنار پیروزی بر عثمانی و بازپس‌گیری زمین‌های اشغال شده، شهرت و محبوبیت فراوان نادر را همراه داشت(مروی، ۱۳۷۴: ۱ ج / ۱۴۹ - ۱۲۶). نادر که در پی بهانه‌ای برای برکناری تهماسب بود، شکست سخت او از عثمانی و واگذاری زمین‌های آزاده شده به آن‌ها را دستاویزی برای برکناری وی ساخت(مینورسکی، ۱۳۸۱: ۱۵ و ۱۶؛ ۳۲۳ - ۳۲۱). نادر عاقبت توانست در سال ۱۱۴۸ق.م در دشت مغان، با نقشه‌ای از پیش طراحی شده، سلطنت را در دست گرفته و سلسله افشاریه را پایه‌گذاری نماید.

نادر شاه توانسته بود با آموزش‌های رزمی سنگین و کارآمد، ارتش خود را به یک جنگ‌افزار رعب‌آور برای دشمن تبدیل کند. بیش‌تر دوران ۱۲ ساله حکومت نادر به جنگ‌های پیاپی با عثمانی و روسیه و کشورگشایی و لشکرکشی به سرزمین‌های گوناگون مانند هندوستان، ماوراءالنهر، خوارزم، داغستان، تصرف دهلی، بخارا، خوارزم و داغستان و برخورد با شورش‌های داخلی گذشت.

افغان‌های مخالف نادرشاه پس از فتح قندهار به دست نادر، به دهلی گریخته بودند. گریز اشرف افغان به هند، و ورود دوباره آن‌ها بمحض دور شدن نیروهای ایران بارها تکرار می‌شد و تبدیل به رویه شده بود. نادرشاه سه بار به پادشاه هند، محمد شاه گورکانی، اخطار نمود که نظامیان اشرف افغان (حدوداً ۸۰۰ نفر) را به ایران تحویل دهد. نادرشاه در ابتدا نامه‌ای محترمانه همراه با هدایا به محمد شاه گورکانی فرستاد و شرح حال کرد، که بی پاسخ ماند. بار دوم به جای پیک توسط یکی از دیوانیان بلندپایه نامه‌ای دیگر فرستاد، که محمدشاه تا مدت‌ها او را بلا تکلیف گذاشته و نامه نادر را

بی پاسخ رها کرد. نادر سپس قلاآغاسی یکی از نزدیکان‌اش را فرستاد با این سه شرط: یا انسداد مرزها بروی اشرار، یا تحویل آن‌ها در صورت ورود، یا اجازه به مرزبانان ایران برای تعقیب شان در خاک هند؛ که او هم برای ماه‌ها در هند در حصری محترمانه نگه داشته شد. نهایتاً نادر برای نشان دادن عزم خود به گرفتن پاسخ، محمدخان ترکمن یکی از نظامیان شجاع خود را فرستاد باتکرار همان سه شرط، که محمدخان نیز کشته شد. نادر برای قتل او توضیح خواست و یک میلیون نادری خونبها طلب کرد که بی پاسخ ماند. کشتن سفیر نادر گناهی نبود که شاه از آن بگذرد(ن.ک. انقطاع: ۱۳۹۴).

با تصمیم نادرشاه، سپاه ایران از رود سند گذشت و در جنگ کرنال (۵ اسفند ۱۱۱۷، ۱۵ ذی القعدة ۱۱۵۱، ۲۴ فوریه ۱۷۳۹) هندی‌ها را شکست داد و دهلی را تصرف کرد. سپس ۸۰۰ افغان را در بازار دهلی دار زدند. نادر به رغم کمی سپاهیان‌ش در مقابل لشکریان فیل سوار هندی، توانست با به‌کارگیری تاکتیک‌های نوین جنگی پیروز شود.

در جنگ کرنال در طی یک روز نبرد، بین بیست تا سی‌هزار سرباز هندی کشته شدند (Axworthy, 2006: 8). به ناچار محمد شاه از نادر امان خواست. نادر در قبال گرفتن کلید خزانه سلطنتی هند عقب‌نشینی را پذیرفت و تاج پادشاهی هند را بر سر او باقی گذاشت. نادر با غنائم فراوان که از هند به چنگ آورده بود، به ایران بازگشت؛ غنائمی که نادر شاه به ایران آورد ده برابر بیش‌تر از بیش‌ترین درآمد سالانه دوران صفوی برآورد شده‌است. در میان این غنائم، جواهراتی چون کوه نور و دریای نور و تخت طاووس شهرت دارند. میزان غنائم به حدی بود که نادر برای سه سال از گرفتن مالیات در ایران چشم پوشید (Axworthy, 2006: 1-16 ; 175-210). با حمله نادر به هندوستان زمینه تضعیف و انقراض امپراتوری مغولی هند یا گورکانیان فراهم آمد و پس از مدتی دولت انگلستان توسط کمپانی هند شرقی بر این کشور استیلا یافت.

نادرشاه برای تأمین هزینه جنگ‌های خود مجبور بود تا مالیات‌های گزافی از مردم بگیرد، به همین دلیل شورش‌هایی در جای‌جای کشور روی می‌داد. وی در اواخر عمر تغییر اخلاق داد و پسر خود رضاقلی میرزا را کور کرد. سپس از کار خود پشیمان شد و برخی از اطرافیان خود را که در این کار آن‌ها را مقصر می‌دانست، کشت. پس از کور شدن شاه‌رخ، اوضاع او به‌گونه‌ای شد که همواره گمان می‌کرد اطرافیان قصد خیانت به او دارند. برای این که کسی جرئت خیانت پیدا نکند، شروع کرد به کارهای دلخراش انجام دادن. سر حاکم کرمان را از سوراخ دیوار عبور داد، به چهار گاو بست و آن‌ها را حرکت داد. حاکم کرمان درد هزار مرگ را کشید و همه اعصاب او پاره شد. مجرمین را شمع آجی می‌کرد و سر کسانی که مالیات نداده‌اند و سر همسر و فرزندان و قبیله و محله و شهر تا جائیکه پول فراهم آید را قطع می‌کرد. حکام یا باید با سر بریده می‌آمدند، یا مالیات و گرنه سر خودشان بر باد می‌رفت.

در سال ۱۱۲۶ خورشیدی، زمانی که نادر برای رفع یکی از شورش‌های مردم علیه مالیات زیاد به خراسان رفته بود، جمعی از سردارانش به رهبری علی قلی خان شبانه به چادر وی حمله کردند و او را به قتل رساندند. به گفته لارنس لاکهارت مورخ انگلیسی ماجرا از این قرار بوده:

نادر در ماه‌های پایانی عمر در اوج خشونت حکومت می‌کرد و به دلایلی چند به تمامی سردارانش سوءظن داشت. نادر شبی رئیس آن‌ها را احضار کرد و چنین گفت: من از نگهبانان خود راضی نیستم و از وفا و دلیری شما آگاهم. حکم می‌کنم فردا صبح همه آنان را توقیف و زنجیر کنید و اگر کسی مقاومت کند ابقا نکنید. حیات من در خطر است و برای حفظ جان فقط به شما اعتماد دارم. نوکری گرجی این موضوع را به اطلاع سرداران نادر رساند و ایشان مصمم شدند تا دیر نشده، نادر را از میان بردارند. تا پاسی از شب رفت، مواضعین به خیمه چوکی، دختر محمدحسن خان قاجار، که نادر آن شب را در سراپرده او بود، رو آوردند. ترس به آنان چنان غلبه کرد که اکثرشان جرات ورود به خیمه را نکردند. فقط محمد خان قاجار، صالح خان و یک شخص متهور دیگر وارد شدند و چوکی تا متوجه آن‌ها شد نادر را بیدار کرد. نادر خشمناک از جای برخاست و شمشیر کشید. پایش در ریسمان چادر گیر کرد و درافتاد. تا خواست برخیزد، صالح خان ضربتی وارد آورد و یک دست او را قطع کرد. سپس محمد خان قاجار سر نادر شاه را در بامداد یکشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۱۶۰ برابر با ۲۸ خرداد ۱۱۲۶ خورشیدی از تن جدا ساخت (مروی، ۱۳۷۴: پیشگفتار).

این گفته «لاکهارت» کم و بیش به همین صورت از قول جیمز فریزر انگلیسی که شخصاً نادرشاه را می‌شناخته و ماه‌ها همراه او بوده و «بازن» پزشک فرانسوی نادرشاه آورده شده است (رضازاده، ۱۳۳۹: ۲۲۱ و ۲۲۲). پس از مرگ نادر شاه، بسیاری از فرزندان و خاندان وی توسط برادرزاده نادر، عادل شاه کشته شدند. علی قلی خان به حدی کینه قطع نسل نادر را به دل بسته بود که زنان نادر را که آبستن بودند هم کشت و از تمام اینان فقط نوه نادرشاه، شاهرخ میرزا را زنده نگهداشت.

۴. انواع تدارکات

۴-۱. تدارکات از نظر کاربری

۴-۱-۱. تدارکات نظامی

هرآن چیزی را که برای لشکرکشی و یا تاب آوری لشکریان در هنگام برپایی اقامتگاه‌های موقت لازم هست در این طبقه جای می‌گیرند؛ از چادرهای بزرگ و وسیع برای بارعام و مقر نادرشاه به عنوان یک عمارت دولتی گرفته تا انواع تجهیزات نظامی و اسباب و وسایل نبرد و ... را شامل می‌شده است.

۴-۱-۲. تدارکات غیرنظامی

گاه تدارکات در جهت انجام مراسمات و فرایض دینی و جشن‌ها صورت می‌گرفته است. به‌عنوان نمونه، در جشن‌ها و مراسمات مختلف نیز، در نزدیک اردوگاه و محل برگزاری جشن و مراسم، برای اسکان میهمانان اتاق‌هایی از جنس چوب و نی ساخته می‌شده است: «عبدالحسین بیگ نسقچی- باشی، ما را اندکی دور از اردوگاه، در اطاق‌هایی ساخته شده از نی منزل داد. بالغ بر ۵۰۰ اطاقک در طرف شمالی اردوگاه برای خان‌های مختلفی که در ساحل ارس حاضر بودند، آماده شده بود» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۷۹). علاوه بر ساختمان محل اسکان میهمانان، مسجد، میدان، بازار و حتی حمام نیز ساخته می‌شد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۷۶؛ لاکهارت، ۱۳۸۶: ۹۷ و ۱۷۲). هم‌چنین، برای خود نادرشاه، اهل حرمسرا، صنعت‌گران و ملازمانش نیز «منازل باشکوه» و «بیوتاتی» ساخته و در آن چند روزه جشن و مراسم، مہیای پذیرایی از نادر و میهمانان می‌شد.

۴-۲. تدارکات از منظر شخص استفاده‌کننده

۴-۲-۱. تدارکات فردی

مهم‌ترین تدارکات فردی شامل: «یونیفرم و لباس متحدالشکل»، «خوراک و جیره غذایی»، «تجهیزات و اسباب نبرد» و «مهمات» بوده است. به‌عنوان نمونه، پیاده‌نظام‌های مسلح معروف به «جزایر» در این دوره، از سلاح‌های سنگینی به نام «شمخال» یا «جزایر» (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۱۷۹ و ۱۹۱). استفاده می‌نمودند که بیش‌تر از «پانزده اوخا» وزن داشت. آن‌ها «اسلحه‌هایشان را با تسمه-هایی که رو به بالا بود، نگاه می‌داشتند. نصف هر تسمه با حلقه‌های طلایی، نصف دیگر با حلقه-های نقره‌ای آراسته بود» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). آن‌ها یونیفرم متحد الشکلی می‌پوشیدند و کلاه‌های نمدی منگوله‌داری بر سر می‌نهادند که با جمله «الله یا الله» دوره دوزی شده و «منگوله‌های کلاه‌ها در انتهای دو طرف آویزان بود» (همان).

«چاندایول»‌ها که محافظات پشت سر نادرشاه بودند، در یک ردیف و جلوتر از نسقچی-ها (محافظان) می‌ایستادند. یک سرباز چاندایول، به‌عنوان محافظ ویژه‌ی شاه، توده‌ای پر (کاکل) بر روی کلاه خود می‌گذاشت که به‌نوعی آرایش تلقی شده و وی را از سایر سربازان بازمی‌شناخت.^۱ یک سرباز چاندایول همیشه تبرزینی فولادی که گویا در دمشق ساخته می‌شده است و نیز صفحه و سپری دستگیره نقره‌ای را با خود حمل می‌کرد. علاوه بر آن هر چاندایول، تیردانی از جنس نقره یا

^۱ . فرمانده نسقچی‌ها هم برای تزئین کلاه خود از پر استفاده می‌کرد: «فرمانده آن‌ها سه پر بر کلاه داشت، دوا در هر طرف و یکی در وسط» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

مس و زرانود شده حمایل خود داشت و سه یا چهار تیر نیز در این تیردان آماده نگاه می-
داشت (پیشین: ۱۰۴).

کشیک‌چی‌ها که وظیفه‌ی محافظت از جایگاه نادرشاه را در بارعام‌ها و مراسمات بر عهده داشتند و به‌طور معمول در دسته‌های دو هزار نفری به انجام وظیفه مشغول بودند، به بیش از شش هزار نفر غالب می‌شدند و هر شش هزار نفر لباس‌های متحد‌الشکلی داشتند. آنها در دسته‌های ده نفره در کلبه‌هایی از نی و چوب ساکن می‌شدند و در طول شبانه‌روز و به نوبت در دسته‌های پنج‌نفره به نگهبانی از جایگاه شاه مشغول بودند (پیشین: ۱۴۷). آن‌ها کلاه نمدی که نوار سفید پهنی به دور کلاه بسته می‌شد به نحوی که کلاه به چشم نمی‌آمد. آن‌ها معمولاً مسلح به تفنگ بودند و در اطراف جایگاه و محل اقامت نادرشاه کشیک می‌دادند.

«الی آقاجلی»‌ها یا چوبداران، افرادی مسلح به یک چماق بودند که «خان زادگان» یا «پسران خان‌ها» هم نامیده می‌شدند. «الی آقاجلی‌ها، فرزندان خان‌ها یا برادران خان‌ها، همیشه آماده‌ی خدمت در برابر خان بودند. اگر خان بر کسی خشم می‌گرفت و فرمان می‌داد که او کتک زده شود، آن‌ها او را به زمین می‌افکندند و پنج یا شش الی آقا جلی او را بلند می‌کردند و با بیرحمی کتک می‌زدند تا خان می‌گفت "کافی است! او را رها کنید"» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

«چاوشی»‌ها دستارهای سبزی با نوارهای سیاه در اطراف آن می‌پوشیدند. دستارهای آنها دارای زینتی در قسمت پیشانی بود که «در زیر آن سک سربند نقره به اندازه‌ی یک سیب» وجود داشت. آن‌ها برای تزئین خود، همانند عثمانی‌ها، همواره یک چماق و یا چوگان نقره‌ای با خود حمل می-
نمودند (پیشین: ۱۴۷).

سربازان و اغلب سواره‌نظام زره بر تن داشتند: «برخی زره‌های بافته‌ای داشتند؛ دیگران دو صفحه‌ی فلزی، یکی در سینه و دیگری در پشت؛ دیگران چهار صفحه‌ی فلزی در سینه و پشت و زیر بازوهایشان، یکی در راست و یکی در چپ داشتند» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). آن‌ها همچنین، تفنگ‌های بزرگی استفاده می‌کردند و دو باروت‌دان بزرگ، که هر کدام به اندازه‌ی یک و نیم اوخا باروت و حتی بیش‌تر جا داشت. بر پشتش آویزان می‌کردند (همان).

۴-۲-۲. تدارکات جمعی

تدارکات جمعی شامل توپ، چادر، گاری باربری و تجهیزات و ملزوماتی می‌شده است که توسط بیش از یک نفر حمل و یا به‌صورت گروهی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.



تصویر نادرشاه افشار. ننگاره نبرد کرنال بر دیوار چهلستون اصفهان

۵. نحوه‌ی تهیه تدارکات نظامی در دوره نادرشاه افشار

۵-۱. کشتی

نادرشاه هم در زمان سرکوب و تعقیب افغان‌ها و هم در زمان لشکر کشی به هند و هم‌چنین در زمان جنگ با لزگی‌ها در قفقاز متوجه جای خالی نیروی دریایی شد. چنان‌که عده‌ای از افغان‌ها از طریق دریا گریختند و نادر به علت نداشتن نیروی دریایی امکان تعقیب آن‌ها را نداشت (حزین، ۱۳۳۲: ۸۸). نادر به خوبی متوجه شد که بدون پشتیبانی نیروی دریایی، امکان پیشروی سپاهیان‌ش از طریق خشکی در عمل وجود ندارد؛ چراکه تدارکات آن‌ها امری مشکل بود. برای همین نادر در منطقه خلیج فارس با خرید یا به غنیمت گرفتن و مصادره‌ی کشتی از اروپاییان و دریانوردان عرب، درصدد ایجاد یک نیروی دریایی مخصوص در ایران برآمد. زیرا که نادرشاه در برابر سرکشی حاکمان جنوب ایران و بخصوص جزایر خلیج فارس، به علت نداشتن نیروی دریایی با مشکل مواجه بود.

چنان‌که در شورش اعراب هوویله میرعلی خان، دریادار نادر، کشته شد و اعراب مذکور به دزدی دریایی روی آوردند (آروی، ۱۳۸۷: ۶۰). هم‌چنین در زمان شورش محمدخان بلوچ و فرار وی به جزیره کیش، ضعف ایران در زمینه‌ی دریایی برای نادر عیان شد (شعبانی، ۱۳۶۵: ۳۹۶). در لشکرکشی به هند و نیز عملیات نظامی در قفقاز به دلیل مسدود شدن راه‌های کاروانرو، نادر توانست برای سربازان خود تأمین تدارکات و آذوقه کند (هنوی، ۱۳۴۶: ۲۷۲).

در موقع بازگشت از هند نیز نادر، با درک اهمیت راه دریایی، به محمدتقی خان، بیگلریگی فارس دستور داد که با قوای کمکی خود از طریق دریا به سند بیاید (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۹۸). هم‌چنین نادر دستور داده بود که شش کشتی را «از مفاصل شکافته، حمل فیلان کوه توان کرده همراه آورده بودند که در حین ضرورت بر یکدیگر اتصال دهند» (پیشین: ۱۹۹). علاوه بر ملاحظات نظامی فوق، نادر بعد از تسخیر هند، به دلیل ملاحظات اقتصادی، خواهان تسلط بر خلیج فارس بود تا از این طریق امکان تجارت دریایی بین ایران و هند را مهیا سازد (فلور، ۱۳۶۸: ۱۷۵).

۵-۲. توپ، تفنگ و باروت

در دوره افشاریه انواع توپ و تفنگ سرپر معمول بود. به‌عنوان نمونه، در سپاه نادر شاه افشار در جنگ با محمدشاه تیموری انواع توپ و زنبورک وجود داشت که فرماندهی آنها ظاهراً با میرآتش بود. نادرشاه در همین جنگ شمار بسیاری توپ به غنیمت گرفت. به علاوه، نادرشاه در ارتش خود از توپ‌های کوچکی به نام زنبورک استفاده می‌کرد که بر پشت شتران حمل می‌شد:

«خان بر اساس عادت آریانی‌اش نیروها را موضع‌گیری نمود، مستقر ساخت و ایشان را اعزام نمود، با آتش توپ‌ها به راست، چپ و مرکز. او هم‌چنین گلوله‌اندازهایی^۱ یعنی سلاح‌های آتشین بزرگ سوار بر پشت حدود ۷۰۰ شتر استفاده نمود. او نخست به آتش توپ‌های بزرگ و سپس به استفاده از گلوله‌اندازه‌ها فرمان داد» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۶۰).

گاهی نیز، تجهیزات و تدارکات نظامی از طریق تصاحب غنیمت‌های جنگی به دست سپاه نادرشاه افشار می‌افتاد. کندوله‌ای، با بیان آمار یکی از این غنیمت‌ها، تعداد اسلحه، تجهیزات و مهمات به غنیمت گرفته شده از سپاه عثمانی را معادل « ۴۶ اراده توپ، ۵ خمپاره انداز، ۳ بیروق و پرچم و مقادیر عظیمی اسلحه و مهمات» می‌داند (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۶ و ۲۰۱).

در آن دوران در بسیاری از شهرهای ایران باروت، فشنگ، توپ، تفنگ و خمپاره می‌ساختند (مروی، ۱۳۷۴: ۳ / ۹۱۱ و ۹۱۲). در این دوره، توپ و تفنگ اغلب در شهرهایی مانند بندرعباس، مازندران، شیراز و مشهد (مرو) ساخته می‌شدند.^۲ مطابق گزارش جالب توجه محمداکظم، برای ساخت باروت، به جای زغال معمولی گویا از زغال پسته استفاده می‌کردند که ظاهراً برای این کار مناسب‌تر بود (مروی، ۱۳۷۴: ۳ / ۹۱۲). در دوره افشاریه، استادان ماهری مأمور توپ ریزی و ساخت خمپاره و باروت بودند و قورخانه و توپخانه از لوازم دائمی ارتش به شمار می‌رفت.

۳-۵. خاروبار لشکریان و علیق سواره نظام

خوراک لشکر و علیق سوار آن قدری مهم بود که گاهی به دلیل فقدان اغذیه مناسب برای سربازان و لشکریان، نادرشاه مجبور می‌شد از جنگ دست کشیده و یا نبرد را به زمان دیگری موکول نماید:

«... به دلیل فقدان تدارکات و خوراک ضروری و چارپایان، این نابغه، این اسکندر ثانی [طهماسب قلی] به آراغات بازگشت تا بتواند از طریق باش آوران به ایروان و اچمیدزین لشکر کشی کند» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۴۸).

عبدالکریم، یکی از ملازمان نادر که در فتح هند وی را همراهی می‌کرده است، در سفرنامه‌ی خود با اشاره به وضعیت تأمین آذوقه برای سربازان اشاره می‌کند و تقریباً در سراسر گزارشات خود بیان می‌دارد که مردم روستاها و قریه‌های مختلف، از ترس نادرشاه، خانه و محل خود را ترک کرده و به کوه و جنگل متواری می‌شدند و در حین فرار نیز تا حد امکان خوراکی و حبوبات و ... را با خود

^۱. زنبورک: توپ‌هایی سبک که از نوع چرخشی بوده و بر شترها سوار می‌شدند.
^۲. به‌عنوان نمونه، الماس خان کندوله‌ای، تپانچه‌ها و تخماق‌های مورد استفاده‌ی لشکریان نادر را ساخت اروپا و شیراز می‌داند:

«... تفنگ تخش دور انداز تپانچه تخماخ فرنگ شیراز» (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

می‌بردند و هرآنچه را که نمی‌توانستند ببرند را مخفی می‌نمودند و از این منظر، تدارکات غذایی برای لشکر و علیق برای اسبان و شتران سواره نظام بسیار سخت می‌شد:

«اراضی تبرستان یا مازندران ابداً با اراضی واقعه در ساحل سند که بر آن می‌گذشتیم قابل مقایسه نیست. نادرشاه با قشون جدا شده از نظر غائب شد و کسانی که به اردو وابستگی و ارتباط داشتند، خود را سرگردان و در وضعیت وخیمی مشاهده نمودند. در این بین آتش در نیزار افتاد و شتران چنان به وحشت افتادند که عده‌ی بسیاری از آنان با رانندگان و محمولاتشان رو به فرار نهادند. به علاوه، اهالی، تمام حیوانات خود را قبل از فرار در زمین پنهان کرده بودند به نحوی که ممکن بود تمام از گرسنگی هلاک شویم ولی ساخلوهای سوار ما موفق به کشف مقداری حیوانات مخفی شده در زمین یکی از قراء دور دست شدند که فوراً طبق مقررات قشونی بین دستجات تقسیم شد و علیق ستوران نظر به حسن زراعت مملکت از حیث جو و گندم سبز کاملاً مکفی بود» (عبدالکریم، ۱۳۲۲: ۸).

گاه نیز غله و خاروبار در قبال پرداخت پول و یا به‌عنوان باج از اهالی سرزمین‌های عبوری گرفته می‌شده است. آبراهام کرتی در جریان تبعید ارامنه تفلیس و آرات به خراسان، توضیح می‌دهد که برخی از خانوارهای ارامنه دز قبال پرداخت پول معادل ۳۰۰۰ تومان و غله معادل ۳۰۰۰ سومار، از تبعید رهایی یابند (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۷۱).

تهیه‌ی آب آشامیدنی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تدارکات فردی و جمعی و در جهت رفع عطش لشکریان و چارپایان در هنگام لشکرکشی‌ها، بسیار مورد توجه بود. در دوره نادرشاه معمولاً برای حمل و نقل آب و نگهداشتن بهینه‌ی این عنصر مهم در تدارکات لشکر، از مشک‌های تهیه شده از پوست بز و گوسفند استفاده می‌شده است:

«ایرانیان برای برطرف کردن کمبود آب همه شب را در تقلا بودند. آن‌ها همه‌ی گوسفندان و بزهایشان را ذبح کردند، آن‌ها را پوست کنند، و پوست‌ها را با آب پر کردند. آن‌ها همچنین ظروف دیگر را در تپه با آب پر کردند، زیرا رودخانه‌ی زنگی (هرازدان) در مسافت دو روزی در پشت سر آنها قرار داشت، در حالی که سپاه ترک روبروی آن‌ها بود» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۵۷).

۴-۵. حمل و نقل و انتقال لشکریان در لشکرکشی‌ها

نقل و انتقال سریع لشکر و نیز عبور از سرزمین‌هایی که اغلب نیز دشمن بودند، ضمن این‌که بر مشکلات فرمانده‌ای مانند نادر جهت تأمین تدارکات می‌افزود، از این منظر نیز قابل بررسی است که چگونه با وسایل و امکانات حمل و نقل قرن ۱۲ ه. ق به سرعت تعداد زیادی انسان و امکانات را منتقل و بلافاصله آماده جنگ می‌شده است. عبور از این سرزمین‌ها گاه از مسیرهای رودخانه‌ها و گاه از مناطق کوهستانی صورت می‌گرفت که هر یک تدارکات و ملزومات خاص خود را طلب می‌-

نمود. برای نمونه، نادرشاه برای عبور از رودخانه دست به یک ابتکار جالبی زد. وی اقدام به طراحی و ساخت پل‌های معلق چوبی برای عبور لشکریان از روی رودخانه می‌نمود:

«استحکاماتی بر روی قایق‌های کوچک متشکل از کلک‌های چوبی که در آب کنار یکدیگر بر روی دهانه‌ی رودخانه قرار داشتند، وجود داشت. طناب‌های ضخیم کلک‌های چوبی را از انتهای اولی به دیگری متصل می‌کردند. انتهای طناب‌ها در بالا به زنجیرها بسته شده بودند و در پائین با طناب‌هایی که همانند کابل‌های ضخیم لنگرهای کشتی‌های بادبانی بود، محکم شده بودند. قطعات ضخیم و تخته‌ها، که با میخ‌هایی محکم شده بودند روی کلک‌های چوبی را می‌پوشاندند» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۸۰).

نادر شاه هیچ‌گاه بدون شناخت منطقه و مسیرهای عبور، لشکریان را از یک منطقه‌ی جغرافیایی عبور نمی‌داد. از جمله‌ی وظایف مهم مسئولان تدارکات و احیاناً محافظان نادرشاه، این بوده که نقشه‌ی عبور و طرح‌های اولیه‌ی سرزمینی را که قرار بوده لشکر از آن‌جا عبور کند، تهیه می‌نمودند. سربازان و اغلب سواره نظام نیز وظیفه‌ی مهم ایجاد راه برای عبور سایر لشکریان را بر عهده داشتند:

«آن‌ها می‌توانند که روزه را در دشت‌ها و تنگ دره‌ها چهار نعل بتازند، بالا بروند و بر روی شیب‌های سنگلاخی کوه، شبیه یک کبک سرازیر شوند. آن‌ها خستگی نمی‌شناسند، هرگز گله و شکایت نمی‌کنند، و گاهی اوقات برای ساختن کوره‌راهی میان صخره‌ها، سنگ‌ها را می‌شکافند. آن‌ها زمین و برف را می‌کنند و انگار که زحمتی نمی‌کشند، با دشمن شجاعانه روبه‌رو می‌شوند، نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

کاتولیکوس آبراهام کرتی در رابطه با لشکرکشی نادرشاه به قارص از طریق ایالات لوری^۱ و قزاق^۲، به جاده سازی نادرشاه در این دو ایالت برای عبور لشکریان اشاره نموده در خاطرات خود می‌نویسد:

«در آوریل، هنگامی که شرایط سخت زمستان به پایان رسیده بود و هوا تا اندازه‌ای ملایم‌تر شده بود و ما به سال ۱۱۸۴ (۱۷۳۵) وارد شده بودیم، طهماسب‌قلی خان از طریق لوری و قزاق به سوی قارص حرکت کرد، حتی قبل از این که برف در این مناطق کوهستانی آب شده باشد. زیرا ما بعداً از سربازان ایرانی و محافظان خان شنیدیم که آن‌ها نقشه‌ی عبور از میان یک مسیل بخصوصی را داشتند و این که آن‌ها جاده‌ای را از میان برف با شمشیرهایشان حفر کرده بودند. آن‌ها پیشروی‌شان را از میان مسیل شروع کردند، در همان شی که برف باریده بود و جاده‌ای که آن‌ها برایش دو روز زحمت کیده بودند و بسته شده بود. سپس آن‌ها گذرگاه دیگری را یافتند و با دشواری زیاد به مرز ایالت قارص رسیدند» (آبراهام کرتی، ۱۳۹۶: ۴۸).

۱. Iori. ایالت ارمنی در قسمت شمالی ارمنستان شرقی (مرز گرجستان). بقایای استحکامات هنوز هم در آن‌جا و نزدیک شهر استپانانوان امروزی قابل مشاهده است.

۲. Kazakh. قزاق میان گرجستان شرقی، ارمنستان شرقی و گنجه قرار دارد.

۶. نتیجه‌گیری

نادرشاه به تدارکات نظامی خود بسیار توجه داشت و تقریباً در تمام جنگ‌هایی که صورت پذیرفت، شخصاً بر نحوه‌ی تدارکات، ایجاد راه‌ها و مسیرهای عبور و ... نظارت داشت. وی درصد قابل توجه‌ای از عوایدی حکومت را صرف لشکر و تجهیزات و ملزومات لشکرکشی‌های خود می‌نمود. از این رو، به واسطه‌ی این که آماد و پشتیبانی جنگ و لشکرکشی‌های نادر، نیاز به هزینه‌ی بسیاری داشت، وی برای تأمین هزینه‌ی جنگ‌های خود مجبور بود تا مالیات‌های گزافی از مردم بگیرد، به‌همین دلیل شورش‌هایی در جای‌جای کشور روی می‌داد. در نهایت در سال ۱۱۶۰ق. (۱۷۴۷م.) زمانی که نادر برای رفع یکی از این شورش‌ها به فتح‌آباد قوچان در خراسان رفته بود، جمعی از سردارانش به رهبری علی قلی خان، شبانه به چادر وی حمله کردند و او را به قتل رساندند و پایان کار نادر نیز این‌گونه رقم خورد.

تدارکات در دوره نادرشاه، شامل دو نوع نظامی و غیر نظامی می‌شد؛ تدارکات نظامی معمولاً به تجهیزات تهاجمی و دفاعی، شامل سلاح، سپر، تنگ، باروت، توپ، سرنیزه و کمان و ... محدود می‌شد و تدارکات غیر نظامی هم اغلب شامل نقل و انتقال لشکریان، خواروبار افراد و علیق چارپایان، البسه و پوشاک، آب آشامیدنی و ... می‌شد. تدارکات نظامی در زمان نادرشاه افشار، را از نظر نوع کاربرد به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

- ملزومات انفرادی و شخصی مانند لباس، خوراک، لوازم خواب و رفاه و بهداشت و درمان
- لوازم نظامی و جنگی مانند توپ، خمپاره، زنبورک، تفنگ فتیله‌ای و چخماقی و تپانچه و گلوله‌های مورد نیاز
- حیوانات جنگی و باری و علوفه و لوازم مورد نیاز

منابع:

- آبراهام کرتی، کاتولیکوس (۱۳۹۶). **تاریخ من و نادر، شاه ایران**. ترجمه فاطمه اروجی، تهران: طهوری.
- آوری، پیتیر (۱۳۸۷). **تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار (از مجموعه تاریخ کمبریج)**. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- استرآبادی، محمد مهدی (۱۳۷۷). **تاریخ جهانگشای نادری**. تصحیح میترا مهر آبادی. تهران: دنیای کتاب.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۸۴). **دره نادره: تاریخ عصر نادر شاه**. به کوشش جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- انقطاع، ناصر (۱۳۹۴). **نادر: قهرمان بی آرام، پادشاه ناکام**. تهران: فردوس.
- بژگی، طیبه (۱۳۹۱). «**بحثی در لباس و پوشش مردم ایران در دوره افشاریه**». فصلنامه تاریخ پژوهی، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۵۳، صص ۲۶۷ - ۲۴۵
- بهار، محمدتقی (۱۳۲۱). **سبک‌شناسی، تاریخ تطور نثر فارسی**. تهران: امیرکبیر.
- حزین (شیخ محمد علی بن ابیطالب) (۱۳۳۲). **تاریخ حزین**. اصفهان: انتشارات کتابفروشی تأیید.
- رضازاده، شفق (۱۳۳۹). **نادرشاه از دیدگاه مورخین و شرق‌شناسان**. تهران: بی‌نا.
- شعبانی، رضا (تصحیح، تحشیه و تعلیقات) (۱۳۷۶). **حدیث نادرشاهی**. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- شعبانی، رضا (۱۳۶۵). «**نیروی دریائی ایران در خلیج فارس در روزگار نادرشاه افشار**». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد**، شماره ۷۴۵.
- شکبیاپور، عنایت‌الله (۱۳۴۸). **اطلاعات عمومی**. چاپ هفتم. تهران: کتابفروشی اشراقی.
- عبدالکریم (۱۳۲۲). **در رکاب نادرشاه: سفرنامه عبدالکریم**. ترجمه محمود هدایت. تهران: اداره مطبوعاتی پروین.
- فروغی، محمد علی (۱۳۴۲). **رساله علم بدیع**. تهران: بی‌نا.
- فلور، ویلم (۱۳۶۸). **حکومت نادرشاه (به روایت منابع هلندی)**. مترجم: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کندوله‌ای، الماس خان (۱۳۹۶). **جنگ‌نامه‌ی نادر**. تصحیح و ترجمه‌ی مظهر ادوای، تهران: ققنوس
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۶). **نادرشاه**. ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران: نشر ثالث.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۷۴). **عالم آرای نادری**. به کوشش ریاحی، تهران: نشر علمی.
- مشار، خانبابا (۱۳۵۵). **فهرست کتاب‌های چاپی فارسی**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منزوی، احمد (۱۳۷۴). **فهرست‌واره کتاب‌های فارسی**. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- موسوی دالینی، جواد و لیدا مودت (۱۳۸۷). «**چرایی و چگونگی تأسیس ناوگان دریایی نادرشاه در خلیج فارس**». فصلنامه تاریخ پژوهی، شماره ۳۶ و ۳۷، سال دهم، پاییز و زمستان.

مؤید شیرازی، جعفر (۱۳۶۹). «دُرّه نادره و اشعار عربی آن: نقد و نظر». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال ۲۳، ش ۲۱ (بهار و تابستان ۱۳۶۹)؛ مینورسکی (۱۳۸۱). **ایران در زمان نادر شاه**. به کوشش رشید یاسمی و عبداللهی، تهران: دنیای کتاب.

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی (۱۳۶۳). **تاریخ بیداری ایرانیان**. تهران: نشر پیکان
 نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸). **نادر شاه و بازماندگانش**. تهران: زرین.
 نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۵). **متون تاریخی به زبان فارسی**. تهران: سازمان سمت.
 نوری، منیژه (۱۳۸۵). «سیمای کلی تجارت خارجی ایران در دوره افشاریه و زندیه». **فصلنامه مسکویه**، تابستان، پیش شماره ۳ صص ۱۵۲-۱۳۱.
 هنوی، جونس (۱۳۴۶). **زندگی نادرشاه**. ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Axworthy, Michael (2006). *The Sword of Persia: Nader Shah. from Tribal Warrior to Conquering Tyrant* Hardcover.
 Rieu, Charles (1966). *Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum*. London.

